



جنگ
ترکیبی

تحریف

تمدن
ایرانی
اسلامی

معنویت گرایی
و عدالت خواهی

سلطه
ناپذیری

عملیات
روانی

نفوذ

پیشرفت
همه
جانبه

رشد
علمی

استقلال

ما مقصریم!

انقلاب اسلامی؛
نزدیک قله یا بر لبه پرتگاه؟

آزادی

مردم
سالاری
دیینی

کودتا

جنگ
سخت

ترور

تحریم



معاونت رشد و کادرسازی بسیج دانشجویی استان اصفهان

مدرسه تربیتی-تشکیلاتی شهید بهشتی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ما مقصریم!

❖ انقلاب اسلامی؛ نزدیک قله یا بر لبه پرتگاه؟! ❖

+ چستی هندسه انقلاب اسلامی+

+ بازنگری در مفهوم انقلابی گری+

+ انقلاب اسلامی؛ برنده یا بازنده؟+

+ هم ترازوی فکری و رفتاری با ولی جامعه+

جزوه پیش روی شما متن پیاده شده ۴ ساعت نشست آموزشی با حضور حجت الاسلام مطلبی پور می باشد که در آذرماه سال ۱۴۰۱، ارائه شده است. در چهاردهمین شماره از مجموعه جزوات مطالعاتی مدرسه تشکیلاتی شهید بهشتی اصفهان در پی معرفی و آشنایی با هندسه انقلاب اسلامی و آسیب شناسی عملکرد جریان انقلابی در این باره هستیم. ان شاءالله مفید فایده واقع شود به برکت صلوات بر حضرت محمد(ص) و آل محمد(ع).

معاونت رشد و کارسازی بسیج دانشجویی استان اصفهان با مشارکت
بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

زمستان ۱۴۰۱

صفحه ماه در آپارات:

aparat.com/beheshti_sho



کانال ماه در ایتا:

@injabchesht



بازنگری در مفهوم انقلابی بودن

هدف اصلی ما در این بحث، تبدیل گفتمان برنده به گفتمان بازنده است یعنی همان چیزی که دشمن روی آن، سرمایه گذاری سنگینی کرده است چون می داند که واقعیات را نمی شود تغییر داد اما ادراکات را براحتی می توان تغییر داد. حقایق درعالم، ثابت اند اما برداشت افراد، متفاوت است پس با جنگ ادراکی مواجه هستیم. مقام معظم رهبری، سال هاست تذکر می دهند یک جنگ ترکیبی و جنگ شناختی علیه ملت ما در جریان است که تمام این جنگ های شناختی، نقطه اثرشان ایجاد تغییر در ادراک ما نسبت به واقعیات جامعه است. ما در بحث "هندسه انقلاب اسلامی" از یک نقطه شروع می کنیم و به یک نقطه مشخص می رسیم. ما از "بازنگری در مفهوم انقلابی بودن" بحث مان را شروع می کنیم. به چه کسی می گوییم انقلابی؟ آیا ما انقلابی گری را یک مفهومی که شدنی است تعریف کرده ایم؟ یا آن را یک مفهوم ثابت، در نظر گرفته ایم؟ بعضی می گویند انقلابی ها دارند از انقلاب برمی گردند! ما می گوییم خیر، اینها اصلاً انقلابی نیستند. حالا بیایید بررسی کنیم که به چه کسی انقلابی می گوییم.

انقلابی کیست؟!

- بیش از هزار و چهارصد سال پیش، زمان بعثت آقا رسول الله(ص) تعریف از انقلابی چه بوده است؟ کسی است که صرفاً شهادتین بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»
- مقداری جلوتر در زمان هجرت پیامبر(ص)، انقلابی کسی است که همراه ایشان به آیه قرآن، عمل کرده و هجرت کند.
- بعدتر در اولین جنگ اسلام یعنی جنگ بدر، انقلابی کسی است که در این جنگ، حاضر شود.
- با چند ماه فاصله، در جنگ أُحُد، انقلابی کسی است که در این جنگ هم شرکت کند.
- زمان امیرالمؤمنین(ع)، انقلابی کسی است که در جنگ صفین و در جنگ های دیگر شرکت کند.
- در سال ۱۳۵۷ انقلابی کسی است که قائل به شعار مرگ بر شاه باشد.
- اگر کسی الان بگوید من انقلابی هستم چون به شهادتین باور دارم آیا ما او را به عنوان یک شخص انقلابی می پذیریم یا می گوییم این تعریف از انقلابی بودن، برای صدر اسلام بوده است؟
- اگر کسی بگوید من انقلابی هستم چون حجاب را قبول دارم، می گوییم این برای سال هشتم هجرت بود.
- اگر کسی بگوید من انقلابی هستم چون در جنگ صفین، شمشیر زدم؛ می گوییم این تعریف برای هزار و سیصد سال پیش بوده است.
- در سال ۱۳۵۹ کسی انقلابی است که به تعبیر امام(ره)، گعده های قرآن را برپا کند و به جنگ برود و به تکلیف عمل کند.
- در سال ۱۳۶۷ کسی انقلابی است که قبول دارد پذیرش قطع نامه ۵۹۸ توسط حضرت امام(ره) بر مبنای یک عقلانیت انقلابی است و اتفاقاً این پذیرش قطع نامه، مصداق انقلابی گری است، نه تسلیم.

- در سال ۱۳۸۸ کسی انقلابی است که قبول داشته باشد تقلبی در انقلاب صورت نگرفته و نظام پای رأی مردم ایستاده است. اگر اینجا کسی بگوید من انقلابی ام چون مرگ بر شاه را قبول دارم، پذیرفتنی نیست.

- سال ۱۳۹۸ در فتنه بنزینی، انقلابی کسی است که مصلحت اندیشی و تدبیر حضرت آقا را مصداق یک تصمیم انقلابی بداند. آیا کسی می تواند در سال ۹۸ بگوید من انقلابی ام چون قبول دارم در انتخابات سال ۸۸ تقلب نشده؟ خیر.

انقلابی گری یک مفهوم دارای صیرورت و شدنی است. اگر کسی این مطلب را قبول دارد باید بپرسد پس سال ۱۴۰۱ یا سال ۱۴۰۲ یا در هر زمانی، مفهوم انقلابی گری چیست و در چه چیزی متبلور شده است؟ اگر بخواهیم همه مسائل را نگاه کنیم که در هر زمان، علتی که به یک نفر می گوییم "انقلابی" چیست به یک جمله می رسیم: انقلابی کسی است که "هم تراز فکری و عملی با ولی" باشد. ولی کیست؟ طبق آیه ولایت؛ خدا، پیامبر(ص)، امیرالمؤمنین(ع) و ائمه هدی(ع) تا برسیم به ولایت فقیه که به فرمایش امام(ره)، تداوم ولایت رسول الله(ص) است. پس ولی هم یک تعریف کاملاً مشخصی دارد.

ما بیش از بیست برگه ۴ از سخنان امام و حضرت آقا را استخراج کردیم و دیدیم که بچه انقلابی ما در سال ۱۴۰۱ با آن، هم تراز نیست! چند نمونه کوچک:

- حضرت آقا می فرمایند جوانان امروز ایران اسلامی اگر از جوانان اول انقلاب و دفاع مقدس جلوتر نباشند، عقب تر نیستند. آیا تحلیل ما این است که جوان های جامعه، مؤمن تر شده اند؟
 - رهبری می فرمایند ملت ایران، روز به روز مؤمن تر شده است. آیا واقعاً تحلیل ما از جامعه امروز همین است؟
 - رهبری می فرمایند محیط دانشگاهی ما از پاک ترین محیط های کشور ماست. ما این جمله را چقدر قبول داریم؟ یعنی پدر و مادرها، با این دیدگاه بچه هایشان را به دانشگاه ها می فرستند؟
 - حضرت آقا با صراحت می فرمایند آینده کشور براساس واقعیات موجود، بسیار روشن است. اما تعریف اکثریت بچه های حزب الهی این است که اگر با همین فرمان پیش برویم، ۷-۸ سال دیگر خبری از انقلاب اسلامی نیست!
 - آقا می فرمایند انقلاب اسلامی بدون ذره ای انحراف در طول چهل سال گذشته با قدرت و قوت پیش آمده است. آیا ما این تحلیل را قبول داریم؟ اما ما می گوییم انقلاب، خوب عمل نکرده، گسل نسلی اتفاق افتاده، اگر انقلاب طور دیگری عمل می کرد اتفاق دیگری می افتاد، بد عمل کردیم.
- اگر قبول دارید که در سال ۹۸ کسی نمی تواند بگوید من انقلابی هستم چون سال ۵۷ می گفتم مرگ بر شاه، با همین استدلال در سال ۱۴۰۱ هم نمی توان گفت انقلابی هستم چون جنگ را قبول دارم یا در انتخابات ۸۸، تقلب نشده؛ چرا؟ چون این مواضع، هم تراز فکری و عملی با ولی نیست، الان تراز فکری و عملی ولی، بالاتر آمده است. چیزی که دارد اتفاق می افتد صرفاً عملکرد جمهوری اسلامی نیست بلکه

جابجایی تراز در جمهوری اسلامی ایران و دین خداست. هر ریزش یا رویش به علت عملکرد جمهوری اسلامی نیست، زمانی یک تعداد افراد بواسطه جابجایی تراز، دچار ریزش می شوند و یا تعدادی دیگر در دایره انقلابی گری قرار می گیرند. الان با تعریف سال ۵۷، حدود ۹۵ درصد انقلابی داریم ولی وقتی تراز، حرکت می کند و بالاتر می آید و مفهومی مثل حجاب می آید، ریزش بیشتر شده و افراد بالای تراز، کمتر می شوند. این سنت الهی است، اینجاست که قرآن می فرماید به جایی می رسیم که "وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ". این که قرار است خیلی باقی بماند یعنی الزاماً جبهه حق یعنی حکومت اسلامی، بد عمل می کند؟ یا اینکه این سنت الهی در جابجایی و بالا بردن تراز است؟ امیرالمؤمنین علی(ع) هم در نهج البلاغه می فرمایند والله بگونه ای غربال می شوید که جز افراد خاص، کسی باقی نمی ماند. آیا الزاماً این ریزش ها به پای جمهوری اسلامی است؟ پس جایگاه قرآن و سنت الهی در تحلیل های سیاسی ما کجاست؟ فقط این را بدانید که تراز، روزانه جابجا می شود، هر صحبتی که از دهان مبارک حضرت آقا به عنوان رهبر و ولی جامعه اسلامی، خارج می شود بدانید ولو به قدر یک ذره (اِپسیلون) دارد تراز را جابجا می کند و بالاتر می برد.

آیا حزب اللهی ما مقید به شنیدن و ادراک سخنان حضرت آقا در حداقل ترین حالت ممکن یعنی کف تراز انقلابی گری هست؟ یعنی حداقل بفهمیم تراز، مقداری جابجا شده است. اگر این هم تراز با ولی از بین برود، اتفاقی که کف جامعه برای افرادی که در هندسه انقلاب اسلامی قرار نداشته باشند می افتد مثل این است که وقتی از اصفهان راه می افسیم، وعده مشهد را به ما می دهند. قبل از حرکت و حتی حین حرکت، نقشه انقلاب و مسیر حرکت را به ما می گویند. اول که از شهر، خارج می شویم باید عوارضی پرداخت کنیم، بعد مثلاً به مغازه های حاشیه ای شهر می رسیم و بعد مثلاً به رودخانه می رسیم و بعد دریاچه، کوه، جنگل، کویر و... تا به مشهد برسیم. کسی که نقشه را شناسد، داخل اتوبوس نشسته تا می رسد به کویر پرده های اتوبوس را کنار می زند و شاکی و معترض می شود که به ما وعده مشهد را داده بودند، اینجا که کویر است! می شود یک لیوان آب به ما بدهید؟! می گوییم خیر اینجا کویر است. می گوید می شود چند دقیقه زیر سایه درخت نگه دارید، می گوییم خیر اینجا درختی نیست. می پرسد مگر به ما وعده مشهد دادید؟ الان اینجا وضعیت مان حتی نسبت به چهار ساعت قبل از خودمان هم بدتر شده! بعد شما می گوئید به سمت مقصد، پیشرفت داشتیم؟

اینجا باید مراقب باشید که قبل از اینکه به نقطه های پیرامونی، دقت کنید باید به مسیر پیشرفت، خوب نگاه کنید. کسی که به شرایط پیرامونی، نگاه می کند دچار خطای در تحلیل می شود و کسی که به مسیر، نگاه می کند برنده است. کسی که از همان ابتدا می دانست که در این مسیر به کویر می رسیم، با دیدن کویر، خوشحال می شود چون این کویر، نشان دهنده درستی مسیر است اما کسی که نقشه را نمی شناسد وقتی به کویر می رسد، در رهبری راهبر و بودن در این مسیر و عملکرد و خلاصه در همه چیز، دچار شک می شود و با اعتراض به ما می گوید چرا نمی خواهید واقعیت را ببینید؟ می گوییم چیزی که ما از آن دفاع

می کنیم هندسه انقلاب اسلامی است که شما آن را نمی بینید. کسی که نقشه را می شناسد، می داند که در سال ۱۴۰۱ اغتشاشات بوجود می آید اما کسی که نسبت به نقشه و هندسه انقلاب اسلامی شناختی ندارد می گوید عملکرد نظام، اشتباه بوده و جامعه ما دچار **گسل نسلی** شده است! عین این مثال را حضرت آقا با عبارت دیگری مطرح می کنند که اگر کسی می خواهد قله ای را فتح کند به او گفته می شود فلان کیلومتر دیگر به پارکینگ ماشین ها می رسیم، کسی که به پارکینگ برسد می گوید درست رسیدیم، بعد می رسید به امام زاده، بعد خیمه عشایر و بعد در ارتفاع سه هزار متری به صخره بزرگی می رسید که همه مردم با اسپری روی آن یادگاری نوشته اند و پرچم شهرهای مختلف روی آن بالاست. کسی که مسیر را نداند، وقتی به صخره می رسد، در همه اتفاقات گذشته شک می کند و ناامید می شود اما کسی که نقشه را می شناسد وقتی به صخره می رسد، خوشحال می شود زیرا نشان دهنده صحت مسیر است. آن چیزی که ما در این چهل و چندسال سال، کم کاری کردیم **ندادن نقشه راه و هندسه انقلاب اسلامی** به مخاطب است.

چرا باید بچه حزب اللهی، در رویدادهای ملت‌هت، ریزش کند؟ قرآن که گفته بود اگر درست بروی با یک صخره بزرگ، مواجه می شوی. زمانی که پیغمبر(ص)، انقلاب خود را شروع کرد چه وعده ای داد؟ طرف در فقر مطلق است ولی پیغمبر(ص) وعده عدالت و تساوی می دهد. برای همین هم رنج کشیدن و زجر و شکنجه و شعب ابی طالب شروع شد و بعد رسیدند به جنگ احزاب یا همان خندق. در تاریخ آمده، امت مسلمان چیزی برای خوردن نداشتند و از شدت گرسنگی، سنگ به شکم بسته بودند که کمی داخل برود و کمتر گرسنگی را حس کنند، یک دانه خرما را در دهان می گذاشتند، می مکیدند و بعد در دهان نفر بعد می گذاشتند. در آن جنگ، موقع حفر خندق توسط پیامبر(ص)، کلنگ اول به سنگی برخورد می کند و جرقه می زند، پیامبر(ص) فرمود که فتح ایران را دیدم، در ضربه دوم فرمود فتح روم و شامات را دیدم. قرآن می گوید کسانی که به نقشه پیغمبر(ص)، ایمان نداشتند گفتند گرسنگی به پیغمبر فشار آورده است اما کسانی که ایمان داشتند گفتند **صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ**.

چرا پیغمبر(ص) راست می گوید درحالی که همه آن شرایط، خلاف آن مدینه فاضله و شرایط مطلوب است؟! چون ایشان از روز اول گفته بود اگر مسیر را درست بیایید به این جنگ می رسید. بعد شما ببینید تحلیل بعضی حزب اللهی‌ها این است که اگر درست عمل کرده بودیم، برای جمهوری اسلامی اینقدر دشمن تراشیده نمی شد! با این منطق پس پیغمبر اکرم(ص) هم اشتباه عمل کرده است؟ حالا جمهوری اسلامی تا نقطه کویر رسیده و تحلیل بعضی از ماها این شده است که عملکرد بدی داشته ایم! بیست و چهار برگه از این جملات داریم که بچه حزب اللهی نمی تواند براساس واقعیات موجود، تحلیل کند. این یعنی تراز از این فرد، عبور کرده و اگر نجنبند ممکن است که از قطار انقلاب پیاده شود.

هندسه انقلاب اسلامی

آیا نمی شد جمهوری اسلامی در این چهل و چند سال بهتر عمل کند؟ حتماً می شد. حضرت آقا صراحتاً اعلام می کنند می توانستیم در فلان نقطه باشیم و بابت عقب ماندگی هایی که داریم، بصورت رسمی در بیانیه گام دوم، حلالیت می طلبند. اما اگر کسی آرمان های جمهوری اسلامی را در نقطه چهل ساله انقلاب اسلامی، مطالبه کند در حال تحریف است. دنیا چقدر در این مدت، درست عمل کرده است؟ تازه اگر پسرفت نکرده باشد که نظرم آن این است که دنیا به همین سمت هم رفته است. یعنی ما در یک عملیات پیروزمندانه، هزار نفر شهید هم داده ایم. یکی بیاید بگوید نمی شد بجای هزار شهید، پانصد شهید بدهیم؟ بله قبول داریم، این آسیب شناسی جمهوری اسلامی است اما حواست هست ما عملیات پیروز، انجام دادیم؟ یا داریم جای برنده و بازنده را جابجا می کنیم؟ چه کسی از وضعیت موجود درباره طلاق ناراحت نیست؟ یک نفر هم پیدا نمی شود که ذره ای دغدغه اجتماع و خانواده خودش را داشته باشد اما نسبت به طلاق ناراحت نباشد؟ وقتی هندسه را بشناسیم می گوئیم عملکرد جمهوری اسلامی با لحاظ این مطلب که می شد بهتر باشد اما سرجمع و درکل، نمره خوبی می گیرد. مثلاً از جمله ابزارهای دشمنان برای فروپاشی خانواده، فضای مجازی است که تا کنون علیه خانواده های ایرانی، هزاران عملیات انجام داده تا چیزی به نام خانواده، وجود خارجی نداشته باشد. حضرت آقا صراحتاً اعلام کردند که دشمن از لحاظ فرهنگی روی کل جامعه جهانی در حال برنامه ریزی است اما روی کشور ما بصورت ویژه، در حال توطئه است یعنی کل دنیا یک سمت و ایران یک سمت. جالب است بدانید که از ۳۰۱ ماهواره رسانه ای در فضا، ۱۶ تا متمرکز بر ایران است. حدود ۱۶۹ کانال ماهواره ای در حال فعالیت برای ایران است. در خود آمریکا از بیش از ۸۲۰ کانال ماهواره ای فقط چهارتای آنها رایگان است اما برای مردم ایران ۱۶۹ کانال رایگان ایجاد کرده اند. ۱۶۸ هزار سایت فقط در حوزه جریان تحریف علیه جمهوری اسلامی در حال فعالیت است، نتیجه آن این است که مردم ما ۱۸۰ برابر میانگین جهانی، اخبار تلخ از کشورشان می شنوند که فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خانواده ما را خراب می کند.

نتیجه این فعالیت های ضدخانواده آنها در دنیا این شده که ۶۲ درصد فرزندان در فرانسه و ۴۵ درصد در آمریکا تا سال ۲۰۱۵ بصورت نامشروع به دنیا آمده اند. اما باید توجه کنیم که علیرغم تلاش اختصاصی و ویژه دشمن بر ضد ایران، ما جزو ده کشور پایین جهان از نظر آمار طلاق هستیم. پس یک زمانی داریم از وضعیت موجود صحبت می کنیم می گوئیم آیا آمار ۳۵ درصد طلاق برای کشور، خوب است؟ خیر. پس چرا از جمهوری اسلامی، دفاع می کنید؟ می گوئیم من از عملکرد کلان جمهوری اسلامی دفاع می کنم نه از نقطه موجود. ما باید مسیر و هندسه را ببینیم نه فقط یک نقطه و مقطع را. حدود ۲۰۵ کشور در جهان داریم که برای آن ها عملیات اختصاصی، انجام نداده اند اما وضعیت شان این است ولی جمهوری اسلامی با عملیات ویژه دشمن و فشارهای متعدد، جزو ده کشور با آمار پایین طلاق در جهان شده است، پس کاملاً

قابل دفاع است. اگر کسی ذره ای تحقیق کند و بفهمد چه جنگ بزرگی علیه خانواده در ایران از سوی دشمنان در جریان بوده، می رسد به این نقطه که الان یک خانواده هم در ایران نباید وجود داشته باشد. باز هم می گوییم می توانستیم بهتر از این باشیم اما بدانید برای ما یک بازی برنده است. مثل این است که در عملیات والفجر ۸ پیروز شده ایم حالا به عقب برگردیم و به شهداء نگاه کنیم و یادمان برود پیروز شده ایم. اگر کسی به دفاع مقدس، نگاه کند و آن را از هشت سال به یک نقطه و تعداد شهدای یک عملیات، تقلیل دهد و پیروزی جبهه حق بر باطل را نبیند آیا دچار خطای تحلیل نشده است؟ اینکه ما از ۳۵ کشور جهان در دفاع مقدس، اسیر داشته باشیم یعنی در جنگ جهانی سوم پیروز شده ایم، حالا این را نبیند اما دویست هزار شهید را ببیند و نتیجه تحلیلش این بشود که ما در جنگ، خطا کردیم! آیا این فرد دچار خطای تحلیل نیست؟ حضرت آقا درباره اغتشاشات ۱۴۰۱ چه فرمودند؟ ایشان در التهابات قبلی فرموده بودند بواسطه عملکرد مسئولین، زخمی در جامعه ایجاد می شود، دشمن مثل مگس روی آن می نشیند و سوء استفاده می کند. اما مقام معظم رهبری امسال در دانشگاه افسری درباره اغتشاشات گفتند این را همگان بدانند، اینبار دست برتر با جمهوری اسلامی بود و دشمن در موضع انفعال قرار گرفت و مجبور شد آدم بکشد. یادمان باشد که ۹۸/۲ درصد به جمهوری اسلامی، آری گفتند یعنی ۱/۸ درصد گفتند خیر که همین الان می شود حداکثر یک میلیون هفتصد هزار نفر. دشمن تمام توان خود را گذاشت اما بالاترین آماري که در یک روز در این اغتشاشات بوده، ۱۰۵ هزار نفر در کل کشور برآورد شده است.

در اوج فتنه سال ۸۸ که برخی مردم واقعاً فکر می کردند که در انتخابات ریاست جمهوری، تقلب شده باشد بالاترین آمار تجمعات، ۷۰۰ هزار نفر بود یعنی دشمن هنوز ۱/۸ درصد اول انقلاب را نتوانسته سرخط کند. بعد ببینید تحلیل حزب الهی ما از وضع موجود، **بازندگی جمهوری اسلامی** است! درست است که افرادی هم که در خانه نشسته اند شاید معترض باشند. درد این است که همان صد هزار نفرند که در رسانه، اثرگذاری می کنند. ما می خواهیم اثبات کنیم که طبق این نقشه (هندسه) جلو آمده ایم. تا الان فرضیه بوده اما حالا می خواهیم آن را اثبات کنیم. اگر هندسه هر قضیه ای را شناسیم در **تحلیل وضعیت موجود** دچار اشتباه می شویم. ما می خواهیم اثبات کنیم که در این چهل و چند سال، پیشرفت کرده ایم یا نه؟ این موقعیت کویر که در آن قرار گرفته ایم، طبق سنتی بوده که از اول گفته شده یا نه؟ حالا می خواهیم راجع به آینده انقلاب اسلامی صحبت کنیم. از همه ابعاد هندسه، قصد داریم سراغ بخش کوچکی برویم و آن مسیر چهل سال گذشته انقلاب اسلامی است. حاج قاسم سلیمانی که یک سند بین ما بچه حزب الهی هاست می گوید: والله از شئون عاقبت بخیری نسبت قلبی ماست با انقلاب اسلامی. پس باید بدانیم که **انحراف** هرکسی در این عالم، از زاویه تحلیل و نقطه فکری آن با ولی جامعه ایجاد شده است. زاویه، دهان باز می کند و روز به روز بیشتر می شود. روز اول می گوید جایگاه رهبری با ما فرق می کند باید امید بدهد، روز دوم می گوید به آقا اخبار دروغ می رسانند، جلوتر به مرحله ای می رسد که می گوید آقا اینطوری و آن طوری و بعد به

جایی می رسد که می گوید دست رهبری هم با خودشان در یک کاسه است! مگر امثال مهدی نصیری (مدیر مسئول پیشین روزنامه کیهان که اکنون مقابل انقلاب اسلامی ایستاده است) از کجا شروع کردند؟ یک شبه که نمی شود انسان سقوط کند، قطعاً نقطه انحرافی داشته است. اگر نقطه فکری مان را با ولی جامعه اسلامی، تراز نکنیم قطعاً روزی، دهان باز می کند و سبب انحراف می شود.

آینده انقلاب اسلامی

هرکسی بخواهد راجع به آینده چیزی صحبت کند عملاً دارد راجع به گذشته، صحبت می کند چون آینده هر چیزی در گروه گذشته اش است. هر آینده پژوهی در تاریخ پژوهی، ریشه دارد. فرضاً می خواهیم تحلیل کنیم یک شخص در کنکور قبول می شود یا نه؟ بررسی می کنیم اگر اینطوری درس خوانده باشد احتمالاً قبول می شود یا اگر فلان جور عمل کرده، قبول نمی شود یعنی راجع به آینده شخص، تشکیلات یا هر چیزی که بخواهیم صحبت کنیم باتوجه به گذشته و تاریخ، آینده آن را پیش بینی می کنیم پس اگر بتوانیم راجع به تاریخ چهل و چند ساله جمهوری اسلامی با هرکسی در عالم صحبت کنیم می توانیم به این فرد اثبات کنیم که آینده انقلاب اسلامی، درخشان است و به مقصدمان که در مثال گفتیم مشهود است، خواهیم رسید یا نه. دقت کنید ما داریم راجع به مسیر انقلاب اسلامی، صحبت می کنیم نه راجع به یک مقطع و یک نقطه مثل خشکی و بی آبی کویر. اگر از مسیر غلط صحبت کنیم راجع به آینده هم دچار اشتباه می شویم. ما حرف مان این نیست که اگر از ما ساعت پرسیدند بگوییم هرچه مقام معظم رهبری بگویند بلکه ما می گوییم ببینید حضرت آقا چه خط کشی کنار دین و جامعه گذاشته اند که می گویند جامعه ما مؤمن تر شده است. اگر معیار سنجش قد شما یک ماژیک باشد همه بلند قد، حساب می شوید اما اگر معیار ما یک خط کش دومتري باشد آنوقت بیشتر شما کوتاه قد حساب می شوید. خط کش ما با خط کش رهبر انقلاب اسلامی، فرق می کند که تحلیل ما هم متفاوت شده است.

در اینجا، پنج مقدمه می گوئیم که برای جا افتادن بحث لازم است:

۱- ممکن است یک نفر بگوید چرا معایب جمهوری اسلامی را نمی گوئید؟ اتفاقاً ما هم می بینیم که واقعیت موجود و شرایطی که الان در آن قرار داریم، کویر است اما تفاوت ما در چیست؟ ما علاوه بر معایب، داده و دیتاهای اضافه تری داریم و شما چون آنها را ندارید، تحلیل تان غلط می شود. یک مستطیل فرضی به وسعت کهکشان راه شیری را فرض کنید، هر عیبی از جمهوری اسلامی دارید بگذارید داخلش و ما هم بیست تا به آن اضافه می کنیم پس ما با معایب حقیقی جمهوری اسلامی، آشنا هستیم. بنده در دانشگاهی با دختر دانشجوی بی حجابی صحبت می کردم، قانع نمی شد. به او گفتم نظر شما در مورد فردی که سیگار را با سیگار روشن می کرد و آنقدر آدم بی مسئولیتی بود که اگر بچه اش هم روی گاز بود یادش می رفت آن را خاموش کند، چیست؟ گفت آدم بسیار لجنی است! گفتم این شخص، دکتر علی شریعتی است در کتاب شریعتی از نگاه شریعتی نوشته همسرش. گفت چرا خوبی هایش را نمی بینی؟ گفتم هرطوری که

شریعتی را تحلیل می کنی، جمهوری اسلامی را هم همانطور تحلیل کن. پدر یا فرزندی نیست که از هم ایرادی سراغ نداشته باشند اما همدیگر را که آتش نمی زنند چون داده های مثبت و منفی را بصورت همزمان کنار هم می بینند. پس ما مزایا و معایب را کنار هم می بینیم بنابراین نتیجه متفاوتی می گیریم.

۲- وقتی می خواهیم این مبحث را مطرح کنیم، می گویند مردم این حرف ها را نمی فهمند! می گوئیم چرا؟ چون مردم سواد این حرف ها را ندارند! مردم تا الان می فهمیدند الف از ب بزرگتر است حالا ما فقط می خواهیم علامت را برعکس کنیم، تا ب بزرگتر از الف شد دیگر این تیکه را نمی فهمند؟! مردم حداقل سه دسته هستند:

یک دسته سواد زیادی دارند، یک دسته متوسط و یک دسته سواد کم. فرضاً (خودم قبول ندارم) بگوئیم آن راننده تاکسی یا کشاورز، سواد زیادی ندارند و این حرف ها را نمی فهمند اما آیا اساتید دانشگاه ها، پزشکان، معلمان و دانشجویان که سواد دارند این قضیه را ادراک نمی کنند؟ اصلاً شما می گوئید مردم نمی فهمند، قبول! پس مخاطب بحث ما نخبگان هستند. بروید این مباحث را به نخبگان بگوئید چون همان ها هستند که قلم می زنند، همین اساتیدند که به دانشجویها، خط می دهند.

۳- می گویند مردم نمی فهمند چون گرسنه هستند! اتفاقاً که همین پابرهنه ها بیشتر با انقلاب اسلامی همراهند اما فرضاً می گوئیم شکمی که گرسنه باشد این حرف های دقیق را نمی فهمد اما حداقل یک دسته هستند که سیر هستند! آیا پزشکان، اساتید و معلمان ما سنگ به شکم شان می بندند و می خوابند؟!

۴- می گویند مردم نمی فهمند چون شما را قبول ندارند! می گوئیم اتفاقاً مردم اینجا هم سه دسته اند: یک دسته جبهه انقلاب را قبول دارند، یک دسته معاندند و هرچه بگویی هم فایده ندارد، طیفی هم خاکستری هستند. شما برو رأی آن ها که انقلاب را قبول دارند را بزن و با آنها صحبت کن. اولویت شماره یک شما همین بچه حزب اللهی ها هستند، اگر او هندسه انقلاب را بشناسد و انگیزه داشته باشد، کنشگری می کند، مدام به این قشر، اضافه می شود. ما زمین گیر هستیم که این قشر حزب اللهی، زمین گیر شده است. کسانی که اگر حق را هم بگویی قبول نمی کنند، ۱۰ درصد هم نیستند. ما به امثال صادق زیباکلام ها و مهدی نصیری ها جواب می دهیم برای اینکه کسی فکر نکند عرصه خالیست اما مخاطب اصلی ما این ها نیستند، اولویت اول ما بچه حزب اللهی ها هستند. پس اگر مردم قبول نمی کنند، شما بروید برای حزب اللهی ها صحبت کنید تا پایشان سفت بشود و بدانند جبهه آنها، برنده است. در این صورت است که سلاح به دست می گیرند و باز هم می جنگند اما اگر فکر کنند بازنده هستیم، کنشگری نمی کنند.

۵- منطق تحلیل ما متفاوت است. یعنی چه؟ فرض کنیم یک درخت در اثر باد و طوفان، خمیده شود. یک نفر، تحلیل می کند که چقدر این درخت، ضعیف است که با یک باد، خم شد اما تحلیل ما این است که عجب درخت مستحکمی. می گویند چرا واقعیتها را نمی بینید؟ این درخت که خم شده است. می گوئیم اتفاقاً ما واقعیت را می بینیم و می دانیم درخت، خم شده است ولی می گوئیم مستحکم است چون علاوه بر خود

درخت، اطراف درخت را هم نگاه می کنیم چون می بینیم تمام درخت های اطراف آن از ریشه در آمده اند. داده های ما یکسان است اما منطق تحلیل های ما متفاوت است. با این بحث می خواهیم برویم سراغ اینکه آیا انقلاب ما برنده است یا بازنده؟ اگر کسی در چهل و چند سال گذشته، جمهوری اسلامی را برنده ببیند آنوقت هرچه از آسیب هایش هم بگوید ما با او هم عقیده هستیم. **تنها اختلاف** ما با جبهه مقابل در اعتقاد به برنده بودن یا بازنده بودن **جمهوری اسلامی** است. مردم، انقلاب اسلامی را با چند خط کش، ارزیابی می کنند و با این معیارها، برندگی یا بازندگی آن را می سنجند که بشرح زیر است:

یکی از این معیارها، مقایسه جمهوری اسلامی با حکومت امیرالمؤمنین(ع) یا حکومت علوی است. مردم می گویند ۳۰-۴۰ هزار شهید قبل از انقلاب و ۲۰۰-۳۰۰ هزار شهید هم بعد از انقلاب دادیم، این چه حکومت علوی است؟ می گوییم حضرت مهدی(عج) می آید و درست می شود. باز اصرار می کنند که جواب ما را بدهید. اما جواب ما تلخ است، باید بگوییم بین **عملکرد شخص علی بن ابیطالب(ع)** با **عملکرد حکومت** چهار و نیم ساله ایشان، تفاوت وجود دارد. مردم هرچه شنیده اند از عملکرد شخص حضرت شنیده اند و از حکومت حضرت چیز زیادی نمی دانند. آیا مردم می دانند در مدت حکومت حضرت، حدود ۶۶ کارگزار و مسئول حکومتی، تو زرد از آب درآمدند که ۱۹ مورد به علت مسائل اقتصادی بوده است. آیا می دانند در طول حکومت ایشان، ۸۰ مورد جنگ رقم خورد یا حضرت فرمان جنگ دادند؟ مقام معظم رهبری به عنوان یک تاریخ شناس، راجع به حکومت و کارگزاران حضرت می گویند: مردم فکر می کنند تمام کارگزاران حضرت، سلمان و ابوذر و عمار بودند خیر، فقط چهار نفرشان خوب بودند مابقی همه عوضی بودند. زیاد بن ابیه از کارگزاران حضرت بود که زنازاده بوده است. حضرت از پستش در بصره او را بر می دارد و علیرغم همه نارضایتی هایش، او را در جای بزرگتری یعنی فارس قرار می دهد. حالا یکی از کارگزارهای ما در پاریس، فیلم و عکس پارتی اش در می آید مردم می گویند ببینید حکومت علوی را؟ می گویند قبول، در حکومت حضرت هم مشکلات بوده است اما مشکلاتی که در حکومت پیش می آمد را حضرت برخورد می کردند. باید بگوییم حضرت با بخشی از مشکلات برخورد می کرد ولی با برخی دیگر از مشکلات نمی توانستند برخورد کنند. این انصاف نیست که **توانسته های حضرت** را با **نتوانسته های جمهوری اسلامی**، مقایسه کنیم.

می گویند پس خاوری چه شد؟ می گوییم عبدالله ابن عباس چه شد؟ نفر دوم حکومت که پسرعموی حضرت بود. حضرت چه کار توانست بکند؟ حضرت در طول حکومت، چند کارگزار و مسئول را اعدام کردند؟ دست چند نفر را قطع کردند؟ در جمهوری اسلامی اگر یکی دو تا یا ده تا قاضی، فلان کار خطا را بکنند می گویند بین قوه قضاییه حضرت کجا و دستگاه قضای جمهوری اسلامی کجا! این را بدانید که قضاوت شخص حضرت، عادلانه بوده است نه قضاوت تمام حکومت حضرت علی(ع). حضرت با یک یهودی، سر زره اختلاف پیدا کرد، رفت پیش قاضی دستگاه خودش. چرا باید در حکومت حضرت، قاضی القضاة از خود حضرت، شهادت بخواهد و شاهد او را هم قبول نکند و به ضرر هم حکم بدهد. قاضی القضاة حکومت حضرت، همان کسی است که

منصوب خلیفه دوم و ابقاء شده خلیفه سوم است، همان کسی که دستور قتل حضرت اباعبدالله(ع) را داده یعنی شریح قاضی. در حکومت حضرت، مالک اشتر بوده اما کمیل بن زیاد هم بوده. همان که دعای خضر نبی(ع) را حضرت به او یاد داد. حضرت امیر(ع) یک و نیم صفحه در نهج البلاغه، کمیل را نقد می کند و او را با خاک، یکسان می کند، تحت عنوان بی عرضه، بی فکر و بی تدبیر. ابوموسی اشعری که سالها قبل از صفین، فرماندار کوفه بوده علیرغم آنکه حضرت قبولش نداشته و از او راضی نبوده، هرکاری می کردند تا عوض شود اما اطرافیان حضرت نمی گذاشتند. حضرت بخاطر مالک اشتر، دست ابوموسی اشعری را نبریدند. اینها در تاریخ، وجود دارد و مستند است. البته از آن طرف، فرماندار مصر در حکومت حضرت، بسیار عالی و کاردرست بود اما اطرافیان حضرت آنقدر به ایشان فشار آوردند که او را برکنار کنند. حضرت به فرماندارش نامه می زند و می گوید من حرف اطرافیان را قبول ندارم و می دانم تو اینگونه نیستی، بعد از او دلجویی می کنند و می گویند بخاطر فشار اطرافیان، مجبور بودم تو را عوض کنم. اگر کسی می خواهد در این وقایع تاریخی کمی اطلاعات داشته باشد این سه کتاب را مطالعه کند:

- کتاب ریزش های خواص در حکومت علوی
- کتاب عدالت در گرداب
- کتاب آغارات

همانطور که می دانید نهج البلاغه حرف های خود حضرت است که سید رضی، آنها را جمع آوری کرده است. در این کتاب، حضرت ۱۸ بار می گوید که چندین کار را می خواستند انجام دهند اما نتوانسته اند. حضرت آرزو داشتند زمانی می رسید که ناموس مردم یعنی زنان و دختران می توانستند تنهایی از این طرف بلاد به آن طرف بلاد، سفر کنند. حالا در جمهوری اسلامی، دختران و زنان بسیاری هر روزه برای دانشگاه و کارهای دیگر با اتوبوس از این شهر به آن شهر می روند. برای همین است که حضرت امام(ره) می گوید جمهوری اسلامی، آرزوی دیرینه اولیاء و انبیاء الهی است. اگر کتاب انسان ۲۵۰ ساله حضرت آقا را بخوانید می بینید این انقلاب، به یک باره پدید نیامده و پله پله طی شده تا به اینجا رسیده است که یکی از پله های آن، حکومت امیرالمؤمنین(ع) بوده است. این اسناد و حقایق را هیچکسی به مردم نگفته است. عموم مردم در حوزه اقتصاد، امنیت، بهداشت، درآمد و بصورت کلی در هیچ حوزه ای، اطلاعات و دانش زیادی ندارند و نیاز است که شما وارد تبیین این موارد شوید.

منطق تحلیل ما

شاخص زیست انسانی دارای ۱۷۶ مورد است از آب و خوراک و مسکن و بهداشت و درمان گرفته تا امنیت و هسته ای و هرچیز دیگر. ما یک استدلال خیلی ساده داریم، می گوییم ۱۳۵۷ انقلاب کردیم، ۴۰ سال قبلش یعنی سال ۱۳۱۷ و چهل سال بعدش یعنی سال ۱۳۹۷ را بررسی کنیم. اگر در این ۱۷۶ شاخص، از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۵۷ در حال رشد بودیم، حُب یعنی اشتباه کردیم که انقلاب شده است ولی وقتی تاریخ را بررسی کنیم می بینیم که کشور ما در این شاخص ها رو به نزول بوده است. آیا وضعیت در حال بهبود بوده و

ما انقلاب کردیم؟ وضعیت معنوی مردم، بهتر می‌شده و ما انقلاب کردیم؟ یعنی وضعیت اقتصاد و امنیت و سیاست و بهداشت و درمان، داشته بهتر می‌شده و ما انقلاب کردیم؟ بعضی‌ها می‌گویند حکومت پهلوی اگر ادامه پیدا می‌کرد، ۱۰ تا ۱۵ سال می‌شد تا. ببینید ما از اعداد صحبت نکردیم، معلوم است که این حرف درست است که ۱۰ تا می‌شود ۱۵ تا! ما داریم از رتبه، صحبت می‌کنیم. رتبه یعنی در سال ۱۳۱۷ یک کشور ایران وجود دارد و یک جهان؛ چهل سال بعد هم دوباره یک ایران هست و یک جهان. حالا رتبه کشور چند شده؟ یک فرد، معدلش شده ۱۴ و یک سال دیگر درس خوانده و شده ۱۶. یک نفر می‌گوید خُب هرکسی بود بعد از یک سال، معدلش ارتقاء پیدا می‌کرد، این که هنری نیست. می‌گوییم این فرد با معدل ۱۴ در بین ۲۰ نفر، رتبه‌اش نوزدهم بوده اما الان با معدل ۱۶ شده رتبه سوم کلاس؛ متوجه نکته هستید؟! یک سال برای همه فرصت بود. این فرد رتبه‌اش ارتقاء پیدا کرده است. ایرانی که یک زمانی رتبه ۱۶۵ جهان بود، بعد از ۴۰ سال الان رسیده است به رتبه ۲۰ در بین کشورهای جهان. از لحاظ پارامترهای قدرت که یکی از قدرت نظامی است، ما جزو ۷ کشور قدرتمند جهان هستیم.

دیدید چه مسیری طی کردیم تا رسیدیم به کویر؟ یک کوهنوردی که کوله پشتی‌اش پر از خوراک و آذوقه است وقتی نزدیک قله شود، طبیعتاً آذوقه‌اش کم می‌شود. آن کسی که منطق تحلیل‌اش این باشد که فقط داخل کوله پشتی را نگاه کند و ببیند چه چیزی برای خوردن دارد، با آن کسی که می‌گوید بیا ببینیم چقدر با همین خوراکی‌ها به قله نزدیک تر شده ایم؛ آیا هر دو نفر اینها دارای یک نوع تحلیل هستند؟ وقتی سنگ محک، غلط باشد تصور این است که رهبری می‌تواند با یک حرکت دست و یک فرمان، جامعه را تغییر دهد. اگر بروید تاریخ را مطالعه کنید می‌بینید که حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه با صراحت می‌فرمایند: انسان‌ها دو دسته‌اند؛ بخشی‌ها فقط به اندازه عمرشان عمر می‌کنند و بخشی به اندازه طول تاریخ. یعنی کسانی که از تجربه‌های تاریخ استفاده می‌کنند و تاریخ را مطالعه می‌کنند، این‌ها افرادی هستند که به طول تاریخ، عمر می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» یعنی از گذشتگان خود باید عبرت بگیریم. امام علی(ع) جزو گذشته نیست؟ آیا نمی‌تواند شاخص و خط کش برای ما باشد؟

برخی دیگر می‌گویند مقایسه جمهوری اسلامی با حکومت امام علی(ع) اشتباه است. باید ببینید حکومت علوی چه اقتضائاتی داشته است. اگر برای مردم گفتید و دست مردم، تحلیل دادید، آنوقت مردم می‌توانند تحلیل کنند. گاهی بعضی از مردم، جمهوری اسلامی را با حکومت پهلوی، مقایسه می‌کنند و می‌گویند ما اشتباه کردیم انقلاب کردیم. من با صراحت عرض می‌کنم که بسیاری از مردم ما هیچ چیز از حکومت پهلوی نمی‌دانند، حتی کسانی که آن موقع بودند؛ چیزی یادشان نمی‌آید یعنی تحلیل درستی ندارند و دشمن روی همین بی‌اطلاعی و تحلیل غلط، سوار می‌شود. بنده نتیجه ۵/۵ سال صحبت‌م را عرض می‌کنم؛ اگر مردم فقط یک ساعت در روز، پهلوی را به اسناد پهلوی نه به اسناد جمهوری اسلامی، مطالعه می‌کردند آنوقت دیگر جمهوری اسلامی، بیمه بود! مثلاً مردم از اقتصاد دوره پهلوی صحبت می‌کنند اما در واقعیت ما از سال ۱۳۳۹ تا سال ۱۳۵۱ حدود ۱۵۰۰ درصد تورم داشتیم. فیلم پهلوی دوم هم موجود است که می‌گوید

من مخالفم که ظرف ۸ ماه، قیمت مسکن ۷ برابر شود! در حالی که در ۲ و نیم سال آخر ریاست روحانی، در کلان شهرها مسکن ۶ تا ۶/۵ برابر و در شهرهای کوچک ۴ تا ۴/۵ برابر شد. فیلم شاه موجود است که می گوید شکر، پنبه، کیف و... ظرف یک تا سه ماه قیمت شان ده ها برابر شده است. مردم اینها را یادشان هست؟! طرف می گوید آن موقع با ۲۰۰۰ تومان همه چیز می خریدیم. می گوییم هر انسانی در طول زندگی اش طبق آمار بین المللی ۱۳۷ قلم کالا نیاز دارد. با آن ۲۰۰۰ تومان چند قلم کالا را داشتید وقتی کل دنیا داشتند؟! می گوید وضع مردم خوب بود همه چیز هم در دسترس بود؛ می گوییم پس مردم چرا نمی خریدند؟ آن هم زمانی که کل دنیا این کالاها را داشتند. در سال ۵۶، طبق صحبت های اسداله علم و هویدا و تمام آمارهای جهانی فقط یک درصد روستاهای کشور (۷۳ درصد جمعیت آن موقع روستایی بوده اند) به آب آشامیدنی دسترسی داشتند، فقط ۴ درصد به برق دسترسی داشتند، اینها تاریخ نیست؟ این در حالیست که مردم جهان در آن زمان به مترو و سفرهای هوایی راحتی دسترسی داشتند. مردم را ببرید کاخ شاه را ببینند، ظرف شویی هایی را ببینند که هنوز که هنوز است کسی به عمرش ندیده است. زمانی که مردم جهان داشتند از ماشین ظرف شویی استفاده می کردند، مردم ایران هنوز برق هم نداشتند و برخی در شهرها لباس های خود را در جوی آب جلوی خانه ها می شستند، آن هم کشوری که منابع سرشار نفت و گاز داشت.

می گوید اگر وضعیت اقتصاد اینطوری هم بوده اما اختلاس وجود نداشته است. در سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ ایران کسری بودجه شدید داشت. آن موقعی که روزی ۶ میلیون بشکه نفت می فروختیم و جمعیت مان هم نصف حالا بود. الان در دولت رئیسی حدود یک میلیون بشکه نفت می فروشیم که پولش را به دلیل تحریم، تهاتر می کنیم (یعنی نفت را صادر می کنیم و در قبال آن، کالا از آن کشور وارد می کنیم). طبق اسناد تاریخی و گزارشات رسمی دربار شاه، بازرگ دربار شاهنشاهی می گوید به محمدرضا پهلوی گفتم برای تشکیل پرونده اختلاسها به ۱۲ هزار نفر کارمند نیاز داریم! اما به آن تعداد کارمند به ما ندادند. حالا یک عده می گویند زمان شاه، اختلاس نبوده است! مردمی که آن زمان بودند، حق دارند که اینها را ندانند چون زمانی که ایران فقط ۴ نشریه داشته، ترکیه ۸۰۰ نشریه داشته است. مردم چقدر سواد داشتند؟ چقدر آزادی بیان و آزادی نشریات وجود داشت؟ الان مردم، اختلاس را از کجا می فهمند؟ یا رسانه ملی یا روزنامهها یا فضای مجازی یا ماهواره. باید یک گزاره ای از بیرون به ما اختلاس را اطلاع بدهد. وقتی آن زمان اختلاس را به مردم نمی گفتند، مردم از کجا مطلع می شدند؟! طبق اسناد دربار پهلوی، حدود ۳۷۵۰ پرونده اختلاس بالای ۱۰۰ میلیون تومان در آن زمان شناسایی می شود و پرونده های اختلاس زیر ۱۰۰ میلیون تومان را به دلیل تعداد زیاد آن، رسیدگی نکردند! سازمان جرائم سازمان ملل (بزرگترین و معتبرترین سازمان رسمی جهانی) می گوید در طول ۱۰۰ سال گذشته در بین همه کشورهای جهان (۲۰۵ کشور جهان) محمدرضا پهلوی بعنوان بزرگترین اختلاسگر تاریخ بشریت، است. کل اختلاس های رخ داده در جمهوری اسلامی به پای یک نفر اختلاسگر پهلوی نمی رسد. مقام معظم رهبری بارها گفته اند که بروید تاریخ را بخوانید. دشمن در حال جابجایی حق و باطل است پس مطالعه کنید.

اما بحث معنویت. تعداد مشروب فروشی ها، فاحشه خانه ها و کاباره های زمان شاه از تعداد کتابخانه ها و مراکز فرهنگی، بیشتر بود. به نظر شما اینها را اجنه استفاده می کردند یا مردم؟! در سال ۱۳۵۷ کشور ما ۳۵ میلیون جمعیت داشته است، بهمن ۱۳۵۷ انقلاب کردیم، فرودین ۱۳۵۸ همه پرسی برگزار شد و ۹۵ درصد مردم یعنی ۲۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در انتخابات شرکت کردند. ۹۸/۲ درصد به جمهوری اسلامی، آری گفتند یعنی ۲۴ میلیون نفر. شهریور ۱۳۵۹ رسماً جنگ ایران و عراق، آغاز شد. از این ۲۴ میلیون نفری که به جمهوری اسلامی آری گفتند، چند نفر به جبهه رفتند؟ بالاترین آمار، عدد ۹۵۰ هزار تا ۱/۵ میلیون نفر را نشان می دهد. در سال ۱۳۹۶ آمریکا که دارای ۱۳۸ اندیشکده است که ۳۸ اندیشکده روی ایران کار می کند، در گزارشی تخصصی که حضرت آقا سال ۱۳۹۶ در صحبت هایشان به آن اشاره نمودند، اعلام کرد که ایران در حال حاضر، ۷ میلیون نفر انتحاری دارد یعنی **آدم های آماده شهادت**. سال ۹۶ چقدر جمعیت داشتیم؟ ۷۲ میلیون نفر. یک میلیون نفر سال ۱۳۵۹ از ۳۵ میلیون نفر کل جمعیت، می شود ۲/۷ درصد اما هفت میلیون نفر از ۷۲ میلیون نفر می شود ۱۰ درصد. آیا جمهوری اسلامی در شهادت طلبی و در معنویت، پسرفت کرده است؟ پس در چه زمینه ای پسرفت کردیم؟ در **شاخصه های معنویت** نگاه کنیم، تنها شاخصی که من و شما در ذهن مان از بحث معنویت، متصور هستیم **حجاب** است. حجاب بسیار مهم است اما آیا ۲۵ شاخص **جامعه ایمانی** را از منظر حضرت آقا بررسی کرده ایم؟ ببینیم حضرت آقا چه خط کشی را کنار معنویت مردم می گذارد که نتیجه این می شود که جامعه ما مؤمن تر شده است. یک مثال بزنیم: برگردیم به هزار و چند صد سال پیش در کوچه بنی هاشم. داریم وقایع تلخ مربوط به شهادت حضرت زهرا(س) را می بینیم. فرض کنید یک زن باحجاب دارد هیزم می آورد تا درب خانه حضرت را آتش بزند. یک زن بدحجاب یا بی حجاب هم چوب دستش گرفته و دارد از حضرت، دفاع می کند. شما به کدامیک از این دو زن، می گوئید مؤمن و به کدام می گوئید منافق؟! آیا به فردی که حجاب کامل دارد می گوئید مؤمن؟! نه. پس نمی توانیم تنها شاخص ایمان را حجاب بدانیم. حضرت آقا در سفر به خراسان شمالی فرمودند خانمی که یک مقدار حجابش ضعیف است و در تجمعات انقلابی و اعتکاف و انتخابات ها شرکت می کند، در جبهه انقلاب اسلامی است و **خودی** است ولی اگر زنی حتی محجبه باشد اما در جبهه مقابل باشد، **ناخودی** است. دشمن، ملاک **جبهه بندی** ما را تغییر داده و روی حجاب، قرار داده است. در زیارت عاشورا مگر **ملاک لعن و سلام** به افراد، حجاب آنهاست؟ ما **مقصریم**، وقتی که حضرت آقا گفتند مردم ایران، مؤمن تر شده اند، یک بار پژوهش و تحقیق انجام ندادیم و بگوییم رهبر انقلاب، درست می گویند، نگاه کنید، شاخص هایش را ببینید، آیات و روایات را نگاه کنید. محمدرضا پهلوی در کتابی که سال ۵۴ چاپ شده است، مصدق را نقد می کند چون مصدق با راه آهن جنوب به شمال رضاشاه، مخالف بود به این دلیل که اعتقاد داشت این راه آهن ذره ای برای منافع مردم ایران، طراحی نشده است و صرفاً برای انتقال تجهیزات نظامی شوروی و انگلیس از جنوب به شمال کشور است.

سؤال: چه افرادی در این جمع، پنج جلد کتاب درباره پهلوی، مطالعه کرده اند؟ بچه ها اگر هندسه مردم جابه جا شود، اگر انقلاب از دست برود، دیگر دین و دیانت و ایران را نمی گذارند بماند، آنوقت شماها پنج جلد کتاب هم نمی خوانید؟! یعنی برای حفظ انقلاب اسلامی، پنج جلد کتاب هم نمی خوانید؟ دشمن، تلاش می کند جای جلال و شهید را عوض کند، در چنین شرایطی باید مطالعه کنیم و عمق پیدا کنیم.

سفیر انگلیس در ایران در سال ۱۳۵۳ می گوید اگر اتفاقاتی که در جشن هنر در باغات شیراز رخ داد (اجرای نمایش غیراخلاقی با صحنه های جنسی) در حکومت انگلیس اتفاق افتاده بود، حکومت سقوط می کرد و مردم انگلیس حتی یک هفته هم بازیگران و کارگردان این نمایش نامه را زنده نمی گذاشتند و یک هفته ای حکومت انگلیس را سرنگون می کردند! اینها را برای مردم گفته ایم؟ آن زمان وضع اینطور بوده است. دی ۱۳۵۷ زمزمه های **حجاب اجباری** به گوش مردم رسید که اگر حکومت روحانیت بیاید قرار است حجاب اجباری شود. با انتشار این خبر، فقط در دانشگاه تهران، هفت هزار نفر دختر بصورت نیمه برهنه در اعتراض به حجاب اجباری، تحصن کردند اما الان در دانشکده ها و دانشگاه هایی که هم که گفته می شود قواعد مذهبی مقداری کمرنگ است، آیا دختران دانشجوی به این تعداد و با این وسعت، نیمه برهنه می شوند؟ در همین اتفاقات و اغتشاشات اخیر در مهر و آبان ۱۴۰۱ دیدیم که تعداد بسیار محدودی از دانشجویان دختر اقدام به کشف حجاب کردند.

برخی از مردم می گویند چرا در سوریه، عراق، لبنان یا فلسطین هزینه می کنید؟ می گوییم چرا نکنیم؟ همه کشورهای جهان، وزارت دفاع دارند، وزارت جنگ دارند، وزارت امنیت بین المللی دارند و برای امنیت بین المللی مردمانشان هزینه می کنند، چرا ما هزینه نکنیم؟! می گوید مگر نمی بینید ما خودمان فقیر و بیچاره داریم، تا موقعی که اینها را داریم چرا باید به بقیه کشورها کمک کنیم؟ می گوییم حالا فرض کن حکومتی داشتی که به جای کمک به مظلوم (مثل گروه های مقاومت در یمن، سوریه، فلسطین و لبنان) به ظالم، کمک می کرد یعنی فرض کن در جایی مثل عراق برود به داعش کمک کند، به آمریکا کمک کند، در یمن به عربستان کمک کند، در فلسطین به اسرائیل کمک کند، حالا حس تو نسبت به آن حکومت چیست؟ چند نفر از مردم می دانند که در تجاوز جنگی آمریکا به کشور ویتنام (که چندین هزار نفر کشته و مجروح شدند و جنایات جنگی زیادی اتفاق افتاد) هواپیماهای جنگنده ایرانی هم حضور داشتند؟ و پهلوی دوم، سوخت هواپیماهای متجاوز غیرایرانی را هم تأمین می کرد تا مردم ویتنام را به خاک و خون بکشند. آیا اینها را برای مردم گفتیم؟ برای مردم از پهلوی چه گفتیم؟ هیچ چیز!

با صراحت می گوییم اگر کسی **یک خدمت از پهلوی** را ثابت کند ما تمام حرف هایمان را پس می گیریم. می گوید ثبت احوال، راه آهن، نصف شهرک های سازمانی، دانشگاه و... نکته مهمی که در اینجا وجود دارد این است که ما خدمت را طور دیگری تعریف می کنیم، به این مثال توجه کنید: فرض کنید شما در حال رانندگی در جاده هستید و ماشین شما پنجر می شود. قیمت پنجرگیری چقدر است؟ فرضاً ۵۰ هزار تومان. اگر به جای این مبلغ، از شما ۵۰ میلیارد تومان پول بگیرند، آیا وقتی به شهرتان رسیدید، آن تعمیرکار را دعا

می کنید؟! حالا اگر یک نفر در این مملکت پیدا شود که بگوید من در جاده، ماشینم پنجر شد، یک نفر پنجاه میلیارد تومان پول گرفت و درستش کرد و بگوید خدا خیرش بده، خدا حفظش کنه، خدا بیامرزتش، نور به قبرش بباره؛ آنوقت ما هم می گوییم نور به قبر پهلوی بباره! بروید خاطرات علم (که وزیر دربار شاه بوده و خاطرات روزانه اش را بصورت مخفیانه می نوشته است و بعد از مرگ، خاطراتش توسط همسرش در خارج از کشور چاپ شده است)، خاطرات اشرف، خاطرات فرج، خاطرات فردوس، خاطرات خود محمدرضا پهلوی، خاطرات فردوس و... را بخوانید و به مردم بگویید. در خاطرات خود پهلوی ها و کارگزاران شاه درباره این خدمات که با مبلغ ۱۶ برابری و ۳۵ برابری و گاهی صدها برابری در مقایسه با قیمت های جهانی، انجام می داده اند مطالب فراوانی وجود دارد. اما طنز دیگر اینجاست که عده ای، جمهوری اسلامی را با امارت مقایسه می کنند. امارت مثل این می ماند که یک نفر یک ماشین آخرین سیستم بخرد و آن را در حیاط یک خانه کاه گلی پارک کند. چرا؟ چون در امارت، اساس بر سرمایه گذاری خارجی است و کسی هم که از این سرمایه گذاری، منتفع می شود همان خارجی ها هستند. اگر امارت چیزی است که واقعاً الان به چشم می آید پس چرا در ضریب جهانی ثروت، بیش از ۶۰ پله از ایران عقب تر است؟! آیا ما اجازه نداریم این سؤال را از جهان بپرسیم؟ امارت ۹ میلیون نفر جمعیت دارد که ۱۵ درصدشان اصالتاً اماراتی هستند یعنی فقط ۱/۵ میلیون نفر از جمعیتش امارتی هستند و بقیه ساکنینش، کارگرانی از کشورهای مختلف و سرمایه گذاران خارجی هستند ولی با این وجود بیش از ۶۰ پله از جمهوری اسلامی عقب تر است و حالا عده ای امارت را به رخ ما می کشند! مثل این که کسی در تهران بیاید از این برج ها، از این هتل های لوکس، فیلمبرداری کند و بگوید مردم ایران را ببینید؛ اما می دانیم این ها برای عموم مردم ایران نیست بلکه برای بخش خاصی از جامعه و یا برای گردشگران است.

منطق رهبر انقلاب اسلامی از مقایسه کردن کشور ما با کشورهای مختلف این است که ایران به عنوان کشوری در میان کشورهای جهان دارای محاسن و معایبی است. در جهان هر کشوری را ببینید یکسری محاسن دارد و یکسری معایب. ما حرف مان این است که دشمنان ایران، تلاش می کنند که محاسن و نقاط قوت خودشان را پررنگ کنند و عیوب و نقاط ضعف شان را کم رنگ جلوه دهند و برعکس برای ایران، محاسن کشور ما را کم رنگ و معایب ایران را پررنگ می کند. حرف ما این است که چه ایران و چه جهان را بیایید واقعی و منطبق بر آنچه هست، ببینید. اگر واقعی ببینید، می بینید ایران یک زمانی جزو کشورهای رده پنجم و در حاشیه جهان بوده اما الان رسیده به ۲۰ کشور برتر جهان. آیا ما داریم این را می گوییم؟ خیر، هیچ کدام از اسناد مطرح شده در کتاب های صعود ۴۰ ساله، گام تمدن ساز، ایران بیست، آمریکا منفی بیست، داخلی نیست و اسناد و منابع این کتاب ها، بین المللی و از معتبرترین سازمان های جهانی، گرفته شده است. این سازمان های بین المللی با همان شاخص هایی که پهلوی را بررسی کرده اند، عملکرد جمهوری اسلامی ایران را هم با دوره های قبل از انقلاب، مقایسه کرده اند و آمارهای خود را منتشر

می کنند. اینها نکات اساسی است آیا این مطالب را به مردم گفته ایم؟! آیا ما مقصر نیستیم؟ آیا در این زمینه کوتاهی نکرده ایم؟ یک نکته مهم دیگر اینکه هرکسی که به اندازه میلیمتری بخواهد کشوری را با کشوری دیگر مقایسه کند باید در مورد مقایسه اش تحقیق و پژوهش انجام دهد یعنی هر استاد دانشگاهی، هر انسان تحصیل کرده ای که بخواهد دو کشور الف و ب را باهم مقایسه کند، محال است که شاخص های بین المللی مثل HDI (شاخص توسعه انسانی) را بررسی نکند یعنی در بین تمام صدها شاخصی که وجود دارد، باید بیاید سه چهار شاخص را که مهم تر است مثل شاخص علم و سواد، شاخص اقتصاد و دارایی و شاخص بهداشت و درمان را بررسی کند. تا حالا رفتید ببینید میزان رشد HDI برای ایران چقدر است؟ میزان پیشرفت ایران در این شاخص طی ۴۰ سال گذشته باعث شده که ما در رتبه ۱ جهان قرار بگیریم یعنی در بین کشورهای جهان در چهل سال گذشته، جمهوری اسلامی ایران بهترین عملکرد را داشته است. آیا کسی این را می داند؟ آیا توانسته ایم این واقعیت ها را هنرمندانه به مردم بگوییم؟ آیا مردم می دانند در آمریکا از ۳۶۰ میلیون نفر جمعیت، حدود ۴۲ درصد توانایی خرید یک داروی ساده مثل قرص سرماخوردگی را هم ندارند. (به مستندهای مایکل مور کارگردان آمریکایی در مورد ناکارآمدی نظام بیمه و سلامت آمریکا مراجعه نمایید). آیا مردم ما می دانند که ۳۰ هزار استاد دانشگاه کارتن خواب در آمریکا داریم؟ شما اگر در جمهوری اسلامی یک استاد پیدا کردید که حتی در حاشیه شهر باشد، ما همه حرفه ایمان را پس می گیریم. قبول داریم ژاپن یکسری محاسن دارد اما آیا معایبش را کسی به ما گفته است؟ (آمار بالای خودکشی و افسردگی، عدم استقلال در سیاست خارجی، وابستگی به آمریکا و وجود پایگاه های آمریکایی در این کشور که سبب تجاوزات گسترده به زنان و دختران ژاپنی شده است). ما می گوئیم هیچ کشوری نیست که بی عیب و نقص باشد اما آیا ما این اطلاعات را از بقیه کشورها می دانیم؟ آیا رسانه های منتقد جمهوری اسلامی از عیب ها و ضعف های کشورهای غربی، مطلبی منتشر می کنند یا فقط از جمهوری اسلامی می گویند؟ جریان تحریف به موازات جریان تحریم دارد علیه جمهوری اسلامی کار می کند. در مورد تک تک آمارهایی که در کتاب هایی مثل صعود چهل ساله، چاپ شده است کار پژوهشی صورت گرفته است، کافی است همت کنید و کد QR پایین هر مطلب در این کتاب را اسکن کنید تا وارد سایت آن سازمان بین المللی یا منبع معتبر خارجی شوید که در مورد پیشرفت های این چهل و چند ساله بعد از انقلاب، تحقیق و پژوهش انجام داده اند و نتایج را منتشر کرده اند.

می دانستید یک زمانی سرعت رشد علمی ایران ۱۶ برابر میانگین جهانی بود که متأسفانه در دولت روحانی رسید به ۱۱ برابر ولی باز هم ۱۱ برابر متوسط نرخ جهانی است. مقالات علمی ما در معتبرترین مجلات علمی جهان بعد از کلی بررسی و کیفی سنجی، منتشر می شود. در اینجا یک خاطره برایتان بگویم. چند وقت پیش به مدت پنج ماه و ماهی یکبار به دانشگاه علوم پزشکی یکی از استان ها می رفتم و با اساتید آنجا، مناظره داشتم. دو نفر از آنها که خارج رفته و کراواتی و تحت تأثیر فرهنگ غرب بودند، بعد از اتمام هر

جلسه، آمارهای مطرح شده توسط من در مورد پیشرفت های کشور بعد از انقلاب در منابع غربی را مورد تحقیق و بررسی قرا می دادند و برای این کار تا رسیدن به جلسه بعدی حدود یک ماه هم فرصت داشتند. بعد از پنج ماه و با اتمام جلسات، این دو استاد آمدند و گفتند برای اولین بار اعلام می کنیم تا امروز بیست و هشت سال استاد دانشگاه جمهوری اسلامی بودم با سرافکنندگی اما امروز برای اولین بار با افتخار، خودمان را استاد دانشگاه جمهوری اسلامی می دانیم.

عامل دیگری که با آن جمهوری اسلامی را مقایسه می کنند این است که ما را با آرمان های انقلاب، مقایسه می کنند. می گویند شما حکومت حضرت علی(ع) را برای منافع خودتان زدید! اصلاً کل دنیا سیاه و ما سفید اما اینها وعده هایی بود که خودتان اول انقلاب به مردم دادید. اینجا یک بخشی از این آرمان هایی که می گویند تحت تأثیر رسانه های ضدانقلاب و دروغ است مثلاً امام(ره) هیچ وقت وعده آب و برق مجانی نداد. امام خیلی فراتر از اینها صحبت می کرد اما بدانید این حرفها درمورد آب و برق مجانی همگی دروغ است. شما بروید این فایل صوتی از سخنرانی امام(ره) را که تقطیع شده است را نگاه کنید. اسفند ۱۳۵۷ دولت موقت بازرگان برای طبقه مستمند، آب و برق مجانی را طرح ریزی کرد. امام در مدرسه علوی تهران در یک سخنرانی در این رابطه می گوید آب و برق را مجانی بکنید برای این قشر اما ای مردم به این بسنده نکنید ما برای این انقلاب نکردیم. تأکید امام بر آرمان های انقلاب اسلامی است. یا بخشی از صحبت های شهید بهشتی را پخش می کنند که می گوید وای بر حکومتی که یک نفر با شکم گرسنه سر بر زمین بگذارد؛ اما مابقی جملات شهید بهشتی را منتشر نمی کنند که در ادامه می گوید اما مردم بدانید که عدالت، اکتسابی است، انتسابی نیست، همچون کوهنوردی که بالا می آید به صخره ای می رسد ده ها متر پایین می آید و مجدداً بالا می آید. این بخش ها را به کسی نمی گویند.

عامل دیگر اینکه عدد چهل سال را بزرگ نمایی می کنند. می گویند چهل و چند سال از انقلاب گذشته، پروژه های صنعتی جهان را نگاه کنید آنها با ۳۰-۴۰ سال ابرپروژه، برج و ماشین های آنچنانی ساختند اما ما چکار کردیم؟ مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می گویند که کدام انقلاب در جهان را می شناسید که بعد از چهل سال، اصلاً باقی مانده باشد چه برسد به اینکه آرمان هایش بماند. آیا انقلاب های هند و چین و آفریقا و فرانسه و روسیه هنوز باقی مانده است؟! تازه این انقلابها برای اینکه به آرمان هایشان برسند تمام مخالفین خودشان را از سر راه برداشتند. در فرانسه وقتی انقلاب شد، دستور دادند ۴۰ هزار نفر بی گناه را وسط خیابان، گردن زدند و به کارخانه های کیف و کفش و کلاه اجازه دادند تا از پوست معترضین، کیف و کفش و کلاه تولید کنند؛ حالا اینها به ما می گویند دیکتاتور! جالب اینجاست فرانسه را به عنوان مهد دموکراسی و رشته حقوق به جهانیان، غالب می کنند! این یعنی تحریف. جالب تر اینجاست که بی بی سی در مورد اعدام منافقین می گوید قتل عام ۱۳۶۷، حالا چند نفر اعدام شدند؟ BBC می گوید ۸۵۰ نفر. منافقینی که پوست مردم را زنده زنده می کنند، مخالفین خودشان را با اتو می سوزاندند، بچه ۲/۵ ساله را جلو پدر و مادرش در دیگ آب جوش می انداختند، بچه مردم را قطعه قطعه می کردند و روی آنها اسید

می ریختند، بقال و کاسب را به جرم نصب عکس امام روی دیوار مغازه، به رگبار می بستند، در حرم امام (رضاع) بمب گذاری کردند، با صدام در جنگ علیه ایران همکاری کردند. امام(ره) سه مرتبه نماینده خودشان را به زندان های اینها فرستادند تا توبه کنند اما از جرائم شان اظهار پشیمانی نکردند و ۸۵۰ نفر از این جانورهای خوانخوار، اعدام شدند. حالا این می شود قتل عام ولی گردن زدن ۴۰ هزار نفر وسط خیابان های فرانسه می شود آزادی و دموکراسی! حضرت آقا به صراحت می فرمایند ما با قله های علم در جهان فاصله داریم، ما با مدنظرهای اسلام خیلی فاصله داریم، آنوقت شما می گوئید وضع، مطلوب است؟ پس داریم از چه چیزی دفاع می کنیم؟ ما از میزان پیشرفت، دفاع می کنیم یعنی چی بودیم و چی شدیم. ما از عملکرد جمهوری اسلامی با لحاظ همه آسیب هایش داریم دفاع می کنیم، ما به نسبت خودمان و در مقایسه با انقلاب های جهانی، خوب عمل کردیم اما عقب افتادگی هم داریم یعنی می توانستیم بهتر عمل کنیم اما ما برنده بازی هستیم و این قسمت برنده بودن را ندیدن یعنی خیانت یعنی پیشرفت جمهوری اسلامی را نبیند، عملکرد را نتواند دفاع کند. آن هندسه ای که باید در اذهان عمومی شکل بگیرد این هندسه است. اگر کسی طوری آسیب شناسی کرد که تحلیل این باشد که جمهوری اسلامی به عقب رفته است، این خطاست، این خلاف است، این خیانت است، این نابود کردن ملت است. حضرت آقا در بیانیه گام دوم با صراحت می فرمایند تنها راه برون رفت از وضعیت فعلی، جهاد تبیین و امید آفرینی است. اگر کسی هندسه انقلاب اسلامی را در ذهن داشته باشد، زمین گیر نمی شود و بازی برنده را بازنده، تفسیر نمی کند. کمترین واحد عددی صبر ما باید بالای ۱۲۰۰ سال باشد. می گوید بعد از چهل سال پس چه زمانی قرار است به آرمان های انقلاب برسیم؟ می گوئیم ۴۰۰ سال دیگر. می گوید واقعاً؟ می گوئیم خُب ۷۰۰ سال دیگر! اصلاً چرا باید عدد تعیین کرد؟ ولی می دانیم کمترین عدد واحد صبر شما ۱۲۰۰ سال است. چرا؟ چون در دعای عهد آمده است، ۱۲۰۰ سال باید در ادبیات حزب الهی های ما یک عدد کوچک باشد. در سال سوم رشته علوم سیاسی، درسی وجود دارد به نام جامعه شناسی مدنی. در این کتاب، کشورهای دنیا به سه دسته تقسیم می شوند: دولت های جوان، میانسال و کهن سال. عمر دولت های جوان کمتر از ۳۰-۴۰ سال، میانسال بین ۳۰-۱۳۰ سال و کهن سال بالای ۱۳۰ سال است. دولت ما یک دولت جوان محسوب می شود.

حضرت آقا تحلیل شان از وقایع حال این است که می گویند: این را همگان بدانند اگر فشارها زیاد شده است چون نزدیک قله هستیم. حالا رسانه های ضدانقلاب و ضد ایران می خواهند القاء کنند که ما لبه پرتگاه هستیم. مقام معظم رهبری می گوید ما نزدیک قله ایم اما رئیس جمهور اسبق آقای احمدی نژاد می گوید شرایط ما مثل شرایط شعب اَبی طالب است! حضرت آقا معتقدند که نه، شرایط ما شرایط بدر و خیبر است. پس منطق این است: آیا ما می گوئیم وضع موجود، عالی است؟ نه، حضرت آقا با صراحت می فرمایند خائن به اسلام و نظام اسلامی است کسی که به وضع موجود، راضی باشد. تمام حرف ما این است که برای تحلیل درست انقلاب اسلامی باید آن را در قالبی تحلیل کنیم که از تحریف به دور باشد و آن هم هندسه انقلاب اسلامی است.